

بیان الدین الدین

ساعت

٩،١١

طبع و حالات انتشار در فصل ابروام (۱۹۵۰)

کمی تر از اعداد در کار راه بیماری مایه نگذشتند

دوباره ب محل عصب و سوره و خود عزل نهادند

طبع ایام (نیمه ایام در حال نفران) و قدرهای

طبیعی سوره و علجهای خود را

کش از هیچ خلوصی برخواهد شد. و به مرداران

لـ رفعه از در نهادت بیرونیم خصوصاً برای اخراج
رعنی شدید و سوزنی شدید. در دهن اینطور است که
اعمال خودم باعث شده که توکانم برداشتم و دستم
در جایی که می‌باشد. در همان
وقت می‌گذرد از در دلم و در
نهادت عجایل از در دلم و در
نهادت عجایل از در دلم و در
نهادت عجایل از در دلم و در

لخواه، گاه و معاشران، ۱۹۰۰) پیش از آن دو ما لغتش

کشته شد و سپاهان سو را به تظاهر از خواهای

نیانی سرخسته می بینند و می بینند

خراونه اسماً دارد و ما را از قلوب نموده

بیل و خدا را خرماده اسماً دارند و هر کسی نیز

گفته خوبیده در روی قول امام عزیز ها (بنی نتن) نمی

خواهی باقدرت لایزال خودت این نفس سرگش

ما را سرکوب کردیان : اس باب العالمین

خدای خلیل کو کی چنی ز کرد

حسن پور

لکھنؤ، الہمنگ

۱۹۶۳ء

۷۱، ۲، ۱۲

۰۱۶۳

ولما دوست مجع معاشرتم نهی و سالم ابردلم

در جم لامیک تا امرت و فرا از ماسٹ رادانی و دید

نی رضا کی نبدر در جم کرا جمعی کی سمع لامیک اعلیٰ نظر

زدم بسیار تا کی لفت . جو لفڑی مایوس کر نظر

زدم از ماسٹ ہو لفت تا دلت در جم کے باہر بیند فوج

در حضور و صافل تا سین اکیوںی دیر لازم تا کم

روسے ما صورتی لا خدا یتوہ فرما (ما ہی پرانیں)

ونا ۲۳ کریا ۱۷ ہم لہیا یہ بسچال سوچم سوچلی صورت

ست کی
نیاز و بعضی بکوں باز فتاویٰ مسٹر لرزین رحمۃ اللہ علیہ
تعدادی (زیکم) ہمہ سبھ پسند و رفیقان - فریج
ہمہ سبھ و بعض بھائیوں مادام ہمہ نے اسدر
ماہ میں اپنی تکالیف کا اپنی محمل سختی کا برداشت کیا
ہمہ نہم ہو دیں (جنہاً و سارہاً دماسن انہوں نہیں
برومن لستھا، لفڑی کا لکڑا سمنا وہ نہ تھا بود
عصر داشتھا ماتھی سندھی کی لرجھی کو راہم و وارکہ
برداشم ولعزم نہ لستھا، ولئن لستھے نے کو

وَالَّذِينَ هُمْ أَصْحَارٌ مِّنْ أَهْلِ
كُلِّ طَلاقٍ لَمْ يَتَّقِنُوهُمْ عَدْيَانِهِ
وَلَا حِلْلَةٌ أَكْبَرُ لَهُ كَانُوا يَعْمَلُونَ الَّذِينَ أَصْبَرُوا
عَلَىٰ رُكُوبِهِمْ تَنَوِّلَوْهُ

ترجمہ بـ کاتھرینہ درہ خدا و جوت دیونسیلز انہ دھلیں
خوراکیں کاونٹ کسی نہیں مادر دنیا بـ نہایا بـ عادیں سوچیں
در صورتیں اُسریانہ اُحریکیہ در آفوت بـ کریم عطا خواہیں کر
سپیا۔ سپیرو نسلوپیرا۔ اسی اصریحی دیں دنیا و عصی ہائے
کے نصطاں میں سورہ درہ دینے پڑیں کہ وہ برفیں کو خوردہ
ترمیں کھوئے ہوئے ترجمہ کیں اُمریانہ بـ عفت دـ حملی فرید

بے جو بہبہ، لئنکا لعہ علی چوں دھٹی سسی و فنڈیوں

در حضی بودم در دلم جمع شد برای حسکلار و ووچت و سکلر

ـ "المجموع" خوب حالاً لـ "فطوح" نـ "ما يـ" يـ

حُسْنٌ، مَلِئْنَ زَرْمَ بِهِ وَفَلَّهُ اِمْ وَحَرْفَهُ كَلَّا هَذَا زَرْمٌ وَ

نمایشات در سینما برگزار نمی‌شوند و بازیگران کار خود را از طلاق می‌کنند.

گردم و خوارکه کرم لیبریم

وَمُؤْمِنٍ بِهِ مُسْلِمٍ ، إِذَا هُوَ نَدِيمٌ

حال نہیں در عین قدر خوبی کی بایز زندہ دلعم بے بھال نہ کر کی چاہی

می مورد

اما وظیفه را باید انجام داد وظیفه من رئیس جمهور
و وظیفه نایب رئیس جمهور و امیر رئیس
جمهور باید عاطه خانه را داشت و این مدارک در میان اینها باشد
ترک تایید فوج رئیس جمهور اسلامیه قرآن خود را معرفه

"قل اَيُّكُمْ وَأَنَا أَكُمْ وَأَنْتُمْ كُمْ وَأَنَا كُلُّمْ
عَصْمَهُ حَتَّىٰ لَمْ يَأْمُرْهُ
کُلُّهُ رَدِّتْهُ بِرُوْمَارُوكُو وَبرِرَانُو وَفرِنْسَارُو
زَنْهَا زَنْهُ وَرَسِيرْ لَرْهَا وَرَلُولُ او وَجَادَ دَرُو"

~~حدوث زندگانی خود را از دل در جهاد داشتند~~

و نیازی نداشتند که از دل خود را از دارند

اد. شدراستار در سیرهارت، شمارت و شعر بآن عصمر

لقاء امیر بزرگترین مترجم ایرانی و مترجم ایرانی

در اینجا وضع بلف او دیده شد بزرگترین مترجم ایرانی

وی اهانتی کرده بسلم هر را

شمع شدید به عنوان و وحشیت کرد از نوع از کی

کیمی و صور دارد از موادی که نیست فتنه ای

سب

جیره ۴۰ مظلومانه و نرای بجهات ۱۷، ۱۶ ساعت بازی

دانست که زندگانی خالصانه و سعادتمندی در این شهر وجود نداشت

بین محرومیت کلی است میان ایران و نیز

تحلی لذت و شوری پرور است اما

می داشت (است) فیض (و) اصل منابع میراث

کواریقت حاصل فوج از شیخ مسیحی دار و ملک در راه

را چنان سرتی تواریخ نویسندگان

رسی که این است در راه تا به قدم و سردار

۱۰ ساعت

و در این مدت و تقریباً همان زمانی که وزیری کو نشانه
و سپاهی شد بروجای علیاً) خسیت خواسته شد.
زید حسن امیر قرآنی بورسازی را بخوبی

الآن ساعت ۸:۰۰ ووارد داشت و همانجا
برزخند و مصیب فرزانه ای را دید و قال لشیعه الرسل
خسیت خود را میگفت که "کل سارهای نیزه ای که
وی سمع خدا و خداوند را کمال اسلام نماید" این موضع
و بعدها را که پیش از این موضع قدرت ایام

و ازدواج شد بیان کرد: "این معلم
خسیت خود را
۷۱-۱۲

وَاللَّهُمَّ عَلِمْ وَرَحْمَةَ لَهُ وَرَحْمَةَ

٦١٢, ٦٣٧

آرٹ آف فن جبل حسن (ب) بیدری

کوہاٹ اسلامی عالم اسلامی ایجاد اللہ

لشکر کنگ لوگوں پاپ میں خداوند اسلام

قدرت کے اخود ولز فراہ ملک سیر

رُبُّ الْكَوَافِرِ

هال موقع لضمهم به اخرب اسکندر، بدلان طرقی دم و ابر
بـ آمد تا مادرم گاهد بعید نساید و قصی رزنا سرصل زیور
نزوم، برادر رو دعا نهی از فلانه نهی که رام قوای رای باز کرد
سوره کل ببر کیه (۱۴-۲۴) آن برادر رو دعا کیه قص
لشای را دکور دو خوانه اینکه آن ببر.
” آنها قولنا لئی، إذا أردناهُ أَنْ تَقُولُ لَهُ لِزْ (ص40)
” ما به امر نافذ خد میهم را اراده کشم و لعسم مخصوص با هم هال لخط
موصر خواهد بود. ” و بخلاف دارم

خدا و رکن خدا در عصا کار، بر پشت امام اهل‌البیت

بر رکن خدا

سپریت) مجموعه اینجا باخت سپریت دوباره روم و اسید

و بی عضد موفق برگش در عرض دوزناعلز رکنی

لرعم و مذکور در عرض سعید. (ساید)

حسن ۷۶۵۱۳

حسن

fat

لسان العرب

”لسان العرب، المذهب في“

۱۷ رجب ۹۶

وَالْعَصْرِ الْإِنْسَانَ لِوَحْيِهِ إِلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَوْلَا صَرَبَ الْكَفَرُ وَلَوْلَا صَرَبَ الْعَبْرُ

وَلَمَّا امْرَأَ زَوْرَكَى وَصَرَتْ عَصَمَهُ مَيِّا امْتَ

حَرَبَ لَهُ حَوَارٌ - اَرْشٌ - سَيِّدٌ - بَسْجٌ وَنَزِيرَهُ مَاءٌ

دَكَّيْرِ دَرِيَّانِ هُوَ اَنْهَانِ خَاصَّ سَيِّدٌ بِهِ سِيمَى خَورَد

هَمَهُ دَكَّبِ هَمَاهَكَى وَلَوْسُى مَحَاصَانِهِ مَسْخُولٌ

كَارِحَدَهَتْ بَرَائِي لِسَلَامَهُ يَا سَنَدِ اَهَارِيَانِ

لـ هـ اـ لـ اـ هـ اـ بـ اـ سـ تـ زـ حـ بـ بـ لـ دـ کـ حـ بـ اـ رـ سـ اـ زـ نـ خـ لـ سـ

چـ بـ رـ بـ اـ کـ اـ سـ عـ جـ اـ هـ دـ اـ کـ وـ اـ قـ وـ دـ حـ الـ مـ لـ کـ عـ شـ قـ

شـ قـ بـ رـ بـ اـ کـ نـ لـ قـ سـ مـ اـ لـ اـ حـ سـ بـ رـ عـ بـ زـ دـ اـ مـ اـ لـ

اـ کـ بـ اـ کـ لـ هـ شـ تـ اـ حـ اـ حـ تـ اـ لـ نـ سـ بـ بـ لـ سـ اـ لـ اـ مـ طـ بـ اـ دـ

حـ اـ صـ رـ هـ مـ نـ دـ بـ 6ـ هـ اـ عـ زـ بـ اـ بـ اـ کـ وـ بـ اـ رـ طـ بـ اـ تـ

اـ نـ سـ اـ زـ بـ اـ کـ اـ صـ بـ وـ دـ اـ صـ اـ حـ دـ اـ رـ دـ وـ نـ پـ دـ لـ زـ دـ

وـ اـ صـ بـ اـ لـ مـ نـ دـ بـ اـ کـ لـ فـ تـ تـ هـ کـ هـ بـ بـ رـ وـ بـ عـ بـ

مـ دـ بـ کـ زـ حـ خـ اـ لـ اـ نـ حـ بـ اـ کـ دـ بـ دـ سـ اـ نـ دـ

زـ کـ تـ اـ سـ بـ طـ بـ رـ اـ حـ اـ سـ بـ عـ بـ کـ کـ کـ دـ کـ حـ اـ رـ هـ اـ

لسان العرب العلامة الحافظ كمال الدين "فتح الراجح"
ـ ١٢٣٧ـ

سلام عالم ما صبرتم

وامسحوا عنكم عصبي دار

سلام سردار عزيز ومردم

دین کنچه تم سعادت را لرزیدو تم ولی قلبم با توست و لهیزه

و دلکشتم و خداوند را بسیار ارام نه فریاد خیز مادر شجاع

فکرم سارعست با گندم دارای طلبی نانوا است و بـ

حاطر اسما دارم به افتخار و خداوند مثال زار در دوچ

را هی دانم و حمل می کنم و اینی هنوز آواره ایم

و گفتم و آن را کوئی خواهم برد چنان

که دارای چندین خوزنندی باشی همراه باشند) امام و چهل طرفدار

که بزرگ بزرگ بازی و مملکت که در اینجا نیز می باشد

سرم در دام که در اینجا نیز می باشد و می بزرگ باشند درین می باشند

روز پنجم می باشد که در اینجا نیز می باشد لازم است

که بازی و مسابقه در اینجا نیز می باشد

که در اینجا نیز می باشد

و کل مسابقه ۲۵ دنیا می باشد و می باشند

می باشند روز سی و سه می باشد

درین روز سی و سه می باشد

شما و خویشوندا که وائمه (وزیرت) خود را میدم

در این هم مردانه :

دیگر مادر بک من معلم نیست ده به عنوان سیاستمن و خدا اهل

این دفعه روز در سخن تو انس سلام و کیهان نظر نه لفظ نه صم خواهی

لرز هم روز روزی معلمها ماشی با هم (لریله خود را باید

ضرازیار خواهد بود که تحقق کند و لریله خود را با خدا طور سلطنت

سر و صفا و سعد و شفاعة

معلم رخواهیم نهاد و ناظم علام و لعله (عیبرانیم و آن)

از بناز سلطنت و لعله را داشت) و خواهی مادر و نعماء را مادر را

بی کنیم ولذ کلا بی خواهیم نه ز غایب بـ مدارز مادر را داشت که

و میباشد از عنابر و لور از ریت نیست
حصیر سر بر رکنی و زنگنه ام در صبح (بعد میتمدن در راه
و این سمت سالم بودند و تا من راه ردم نهاد) فلک خوب
لور روحانی نم : حصیر کرد و مرا صدم حصیر آخا عالم
خواهان کی رینه هزاری خواهم دجالت لر ناید
و بـ حصیر را هدای و رحمای لور عالم ران

والعلم

لسم ایام

جتنی نعم
لله الہ الہ
جتنی نعم
۱۹۷۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ازرس دیزیل

بِالْحَاذِنِ أَكْتَرًا إِذَا فَيْقَمْ

ترحيمه باي سارني ته ایمان آکورده ای هنگامه با تھا جم کخاره ورو

شندیده بدارم و استفاده ملت فرزنه و هر زیر آنها سیستمکن

سلام علیکم حجیباً و رحمة الله و برکاته

باتقدیم سلام حضور پیر و قادر و مراد و خواهانم، امیدوارم

حل همگ خوب باش. امید آنکه لله رب العالمین دران هنگ برقار

پیغماز و کوئر اسلیم ای اسغال آنها بیرون آکورم

الله با در حییه حوس زانیل هی قدم و هدست زانه رسان